

۹۱ / ۷ / ۱۸

جلسه ۱۵

حقیقت و مجاز

سه شنبه

سال سوم

حقیقت و مجاز
« علامم »

رقم	نام علامت	توضیح	ناقل
۱	نقل اهل لغت	-	رشتی / مجاهد / قزوینی
۲	اخبار عادل	-	رشتی
۳	ورود روایت از معصومین	-	رشتی
۴	اصل عدم نقل	اگر معنای حقیقی را در دوره ای می نامیم	رشتی
۵	استعمال مستمر مع وحدة المستعمل فیه	مرحوم قزوینی : این استعمال باید به همراه قرینه ای باشد مبنی بر اینکه همه این استعمالات ناشی از وضع است	رشتی / قزوینی / اصفهانی
۶	صحت اشتغال	«أمر» حقیقت است در امر کردن و لذا می شود گفت «یأمر»	رشتی / مجاهد / قزوینی

رقم	نام علامت	توضیح	ناقل
۷	شهرت	-	رشتی
۸	قیاس	-	رشتی
۹	تبادر	-	رشتی / مجاهد / قزوینی / اصفهانی
۱۰	عدم صحت سلب	-	رشتی / قزوینی / اصفهانی
۱۱	اطراد	-	رشتی / مجاهد / قزوینی / اصفهانی
۱۲	اختلاف الجمع	اگر معنای دوم با صیغه ای جمع بسته شود غیر از صیغه ای که معنای حقیقی را جمع می بندد	رشتی / مجاهد / قزوینی / اصفهانی
۱۳	التزام التقييد	اگر معنای دوم با صیغه ای جمع بسته شود غیر از صیغه ای که معنای حقیقی را جمع می بندد	رشتی / مجاهد / قزوینی / اصفهانی

رقم	نام علامت	توضیح	ناقل
۱۴	صحت تقسیم	اگر لفظ «الف» قابل تقسیم به زن و مرد است، می فهمیم حقیقت در مفهوم انسان است	رشتی / مجاهد / قزوینی / اصفهانی
۱۵	استقراء	-	رشتی / قزوینی / اصفهانی
۱۶	قیاس	نام شراب انگور، خمر است؛ به سبب وجود اسکار در شراب سیب آن را هم حقیقه خمر می گوئیم	رشتی / قزوینی
۱۷	حسن استفهام	اگر کسی گفت چای بیاور و من پرسیدم کدام چای؟ سیاه یا سفید؟ معلوم می شود چای در هیچکدام مجاز نیست	رشتی / اصفهانی
۱۸	نسیان المعنی	نمی دانیم معنای اولیه «صلاة» متروک است یا نه؛ نسیان معنای اول، علامت مجاز بودن آن است	مجاهد
۱۹	نیازمندی به معنای اول در استعمال	مثال: به مشتری نمی توان گفت بایع إلا اینکه همراه با معنای فروشنده باشد و بگویند بیعان	مجاهد / اصفهانی

رقم	نام علامت	توضیح	ناقل
۲۰	تنصیص واضع	واضع به صراحت یا طور غیر صریح بگوید که فلان لفظ را در فلان معنی وضع کرده ام	قزوینی / اصفهانی
۲۱	تنصیص مردم آن زبان	-	قزوینی
۲۲	تنافر	اگر لفظی (اسد) در دو معنی به همراه قرینه استعمال می شود (اسدٌ یتکلم - اسدٌ یفترس) اگر یکی از دو قرینه با آنچه از لفظ به ذهن می رسد، سازگار نیست (تکلم) این تنافر علامت مجازیت معنای همراه آن است	قزوینی
۲۳	اصالة الاستعمال	این اماره در کلمات گروهی دیگر با عنوان اصالة الحقیقه شناخته می شود	قزوینی
۲۴	یک معنی داشتن لفظ	-	شیرازی

رقم	نام علامت	توضیح	ناقل
۲۵		ورود لفظ در مقام بیان بدون قرینه، در حالیکه علم به معنای آن پیدا می‌کنیم	اصفهانی
۲۶		نبود هیچ علاقه ای بین معانی لفظ که بتواند باعث پیدایش مجاز شود	اصفهانی
۲۷	صحت استثناء	اگر از لفظی، استثناء شد، معلوم می‌شود که دارای معنای عام است	اصفهانی
۲۸	اصالة الوضع برای قدر مشترک	لفظی که در دو معنا که دارای قدر مشترک هستند استعمال می‌شود، برای قدر مشترک وضع شده است تا : مجاز یا اشتراک لفظی لازم نیاید	اصفهانی